

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده هنر و معماری

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته: ادبیات نمایشی

تاثیر ادبیات داستانی مدرن بر شیوه‌های روایتگری موج نوی سینمای ایران (1337-1357)

پروژه عملی: نگارش فیلمنامه «دریچه»

اسدالله غلامعلی

استاد راهنما (نظری):

دکتر علی شیخ مهدی

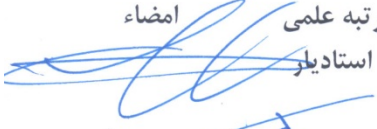





استاد راهنمای (عملی):

دکتر سید مصطفی مختاباد

بهمن 1390

## تائیدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای اسداله غلامعلی تحت عنوان: تأثیر ادبیات داستانی مدرن بر شیوه‌های روایتگری موج نوی سینمای ایران (۱۳۳۷-۱۳۵۷) - پروژه عملی: نگارش فیلمنامه «دریچه» را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد تأیید می‌کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	استادیار	آقای دکتر علی شیخ مهدی	۱- استاد راهنما (نظری)
	دانشیار	آقای دکتر سید مصطفی مخابراتاد	۲- استاد راهنما (عملی)
	استادیار	آقای دکتر محمد جعفر یوسفیان کناری	۳- استاد ناظر
	دانشیار	آقای دکتر اکبر عالمی	۴- استاد ناظر
	استادیار	آقای دکتر علی اصغر فهیمی فر	۵- استاد ناظر
	استادیار	آقای دکتر علی اصغر فهیمی فر	۶- نماینده تحصیلات تکمیلی

## آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

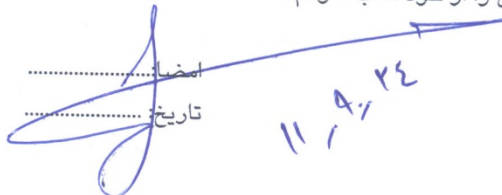
تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب ابراهیم علی دانشجوی رشته ادبیات فارسی و رودی سال تحصیلی ۸۸ مقطع ادبیات دانشکده عربی معاصر متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضاء:   
تاریخ: ۱۱ / ۹ / ۲۴

### آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:  
«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته **ادبیات فارسی** است که در سال **۱۳۹۳** در دانشکده **فنون نمایش** دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر **علی شیخ مس**، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر

و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب **اسدالله علی** دانشجوی رشته **ادبیات فارسی** مقطع **ارشد**

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

**اسدالله علی**  
نام و نام خانوادگی:

۱۳۹۳/۱۱/۲۴  
تاریخ و امضا:

## چکیده

سینمای ایران از آغاز تا امروز تحولات مختلفی را به خود دیده است. جریانی به نام موج نو سینمای ایران، در دهه‌های 40 و 50 هجری شمسی، ساختار سینمای ایران را دگرگون کرد. فیلم‌هایی که تا آن زمان تولید می‌شدند از لحاظ فرم، و ساختار سینمایی و به ویژه فیلمنامه‌نویسی در سطح بسیار نازلی قرار داشتند و اصول متعارف فیلمسازی، همچون میزانشن، دکوپاژ، مونتاز، طراحی صحنه و لباس، گریم و ... غالباً در آنها رعایت نمی‌شد و همچنین از نظر محتوا، به شکلی سطحی و خام به مسائل عاطفی و اجتماعی پرداخته می‌شد. این فیلم‌ها در عین حال که ملقب به فیلمفارسی بودند، ولی وجه تناسبی با جامعه ایرانی نداشتند. این آثار به دلیل زبان فارسی فیلم‌ها، این عنوان انتخاب شده بود. در دهه‌های 40 و 50 هجری بر اثر عوامل اجتماعی و تغییرات که در مناسبات سنتی جامعه رخ داد و با مدرنیسم و اصول و قواعد شهرنشینی آن همگام شد، فیلمسازی که با محافل روشنفکری، ادبی و هنری جامعه ایران و نیز جهان در ارتباط بودند، فیلم‌هایی برخلاف سینمای غالب تولید کردند که دارای ارزش‌های زیباشناختی فراوانی بودند. سینماگران موج‌نو علاوه بر تأثیرپذیری از جریان‌های سینمای جهان مانند نئورئالیسم ایتالیا، موج‌نوی سینمای فرانسه و همچنین تئوری مؤلف، از ادبیات و جامعه ادبی ایران و جهان نیز متأثر بودند. در واقع خاستگاه اصلی موج نو، ادبیات داستانی و به ویژه ادبیات داستانی مدرن است. اکثر سینماگران موج نو، با ادبیات الفت داشته‌اند و یا حتی نویسنده بودند. ارتباط فیلمسازان با ادبیات، بر آثار آنها تأثیر گذاشت و موجب تحول در شیوه‌های روایتگری آثار سینمایی آنها گردید. در پژوهش حاضر، با استفاده از توصیف و تحلیل و به شکل کیفی ارتباط ساختار روایی کلاسیک و مدرن، ماهیت موج نو سینمای ایران، چگونگی شکل‌گیری آن، تأثیر ادبیات داستانی و روایت مدرن بر شکل روایت در آثار سینمایی موج نو مورد تحقیق و تحلیل قرار گرفته، و در انتها، نتایج به دست آمده که نشان‌دهنده تأثیر جریان ادبی مدرن بر موج نو و ساختار روایی این جریان، می‌باشد، ارائه گردیده است.

کلمات کلیدی: ادبیات داستانی، روایت، روایت مدرن، موج نو سینمای ایران.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	مقدمه
<b>فصل اول: ادبیات داستانی؛ کلاسیک و مدرنیسم</b>	
7	1-1) کلاسیسیسم
11	2-1) ادبیات کلاسیک
15	3-1) مدرنیسم و هنر مدرن
19	4-1) ادبیات مدرنیستی
24	1-4-1) روابط زمانی و مکانی
27	2-4-1) ابهام
30	3-4-1) شخصیت
31	4-4-1) راوی
35	5-1) طرح
49	6-1) رمان نو
<b>فصل دوم: موج نوی سینمای فرانسه و ایران</b>	
57	1-2) سینمای هنری و مدرن اروپا
60	2-2) موج نوی سینمای فرانسه
68	3-2) موج نوی سینمای ایران
70	1-3-2) نگره مؤلف

- 71..... (2-3-2) ابراهیم گلستان؛ سینمای مدرن
- 72..... (3-3-2) مسعود کیمیایی؛ سینمای جوانمردی
- 75..... (4-3-2) داریوش مهرجویی؛ سینمای اقتباس

### فصل سوم: موج نو و ساختار روایی آن

- 81..... (1-3) درآمد تاریخی بر چگونگی شکل‌گیری موج نو
- 86..... (2-3) موج نوی سینمای ایران
- 90..... (3-3) طبقه‌بندی آثاری سینمایی موج نو از لحاظ زمانی
- 99..... (4-3) ساختار روایی مدرن
- 99..... (1-4-3) خشت و آینه
- 101..... (1-1-4-3) روایت
- 110..... (2-1-4-3) سطوح واقع‌گرایانه و تمثیلی
- 112..... (3-1-4-3) شخصیت‌پردازی
- 116..... (4-1-4-3) روابط زمانی و مکانی
- 120..... (5-1-4-3) دیالوگ مدرنیستی
- 122..... (2-4-3) گاو
- 124..... (1-2-4-3) روایت
- 132..... (2-2-4-3) شخصیت‌پردازی
- 134..... (3-2-4-3) روابط زمانی و مکانی
- 136..... (3-4-3) شازده احتجاب



138.....	روایت (1-3-4-3)
145.....	شخصیت پردازی (2-3-4-3)
151.....	روابط زمانی و مکانی (3-3-4-3)
161.....	نتیجه گیری
163.....	فهرست منابع
171.....	پروژه عملی: فیلمنامه دریچه
233.....	چکیده انگلیسی

در قرن بیستم به سبب پیشرفت‌هایی که در عرصه تکنولوژی و علوم انسانی انجام گردید، جوامع بشری بیش از پیش با هم ارتباط پیدا کردند، و با فرهنگ و آداب و رسوم یکدیگر آشنا شدند. سینما به عنوان یک هنر قرن بیستمی تنها هنری است که با تمام مکاتب هنری، ادبی و مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی در ارتباط است. دلیل این امر در وهله اول به ارتباط این هنر با جامعه بشری باز می‌گردد. سینما این توانایی را دارد که هر اندیشه و مفهومی را به تصویر بکشد و این قدرت را به سبب ارتباطی که با دیگر هنرها دارد، به دست آورده است. ادبیات در تحکیم زبان و بیان سینما، مؤثر بوده است. تعامل ادبیات و سینما تا امروز ادامه داشته و نه تنها سینما از ادبیات و زبان ادبی بهره برده بلکه ادبیات نیز از عناصر و مؤلفه‌های سینمایی کمک گرفته است. تحولی که در سینمای قبل از انقلاب ایران رخ داد و با عنوان موج نو نامگذاری شده است تا اندازه‌ی زیادی حاصل ارتباط سینماگران ایرانی با ادبیات داستانی است. همچنانکه جامعه ایران در آن سال‌ها به سمت شهرنشینی و مدرنیزه شدن می‌رفت، نویسندگان و جامعه ادبی کشور نیز از شیوه و سبک نوینی که به سبب تأثیرات مدرنیسم، در ادبیات جهان به وجود آمده بود، تأثیر گرفتند و ادبیات داستانی مدرن پایه‌ریزی شد. جریان متفاوتی که در سینما وجود آمد، به موج نو موسوم شد، ولی همچون دیگر موج‌نویس‌های سینمایی برخوردار از اهداف و خاستگاه منسجم سینمایی نبود، بلکه وابسته به فیلمسازانی بود که نسبت به گذشته متفاوت می‌اندیشیدند و آثار متفاوتی می‌ساختند. این تفاوت در اندیشه و عملکرد، پیدایش جریان متفاوتی را فراهم کرد. این اندیشه و تفکر متفاوت و پیشرو حاصل تحول در شرایط اجتماعی و فرهنگی کشور از جمله فضای روشنفکری حاکم بر جامعه و جریان ادبی مدرنی که صورت گرفته بود. در واقع خاستگاه اصلی موج نوی سینمای ایران ادبیات و به خصوص ادبیات داستانی مدرن است. بنابراین دگرگونی سینمای ایران و شکل‌گیری، موفقیت و تداوم موج نوی سینمای ایران حاصل تعاملی است که با جریان ادبی مدرن کشور داشته است. تلاش نگارنده در پژوهش حاضر، صرف این شده است که آثار سینمایی موج نو را تحلیل نموده و چگونگی تأثیرگذاری ادبیات داستانی مدرن بر شیوه‌های روایتگری این آثار را مورد بررسی قرار دهد.

## تبیین مسأله

آثار سینمایی موج نو ایران از لحاظ سبک روایتگری به دو دسته کلاسیک و مدرن تقسیم می‌شود. هر دو دسته به تنهایی از دو بخش اقتباسی و غیر اقتباسی تشکیل شده‌اند. روایت کلاسیک که بر خاسته از تفکر کلاسیک می‌باشد، یعنی همان مؤلفه‌های کلاسیسیسم یعنی وضوح، قطعیت، حقیقت‌نمایی، عقل‌گرایی، و غیره. در سینما، روایت کلاسیک منظور همان روایت ارسطویی است که براساس الگویی که ارسطو تعیین کرده، خطی، طرح محور، مبتنی بر وضوح و روشنی در قصه، شخصیت‌پردازی، متکی بر روابط علت و معلولی میان شخصیت و رویداد، آشکارگی در روابط زمانی و مکانی، دارای مقدمه چینی، گره‌افکنی، بحران، و گره‌گشایی و دارای ابتدا، میانه و پایان مشخص می‌باشد. روایت مدرنیستی اما، متأثر از جریان فکری مدرنیسم است. در اوایل قرن بیستم تحولات عظیمی همچون جنگ جهانی اول و دوم، پیشرفت‌های شگرفی در سطوح مختلفی همچون فیزیک، پزشکی، علوم انسانی و هنر، جامعه بشری را تحت تأثیر قرار داد و موجب تغییراتی بنیادین در جامعه سنتی و کلاسیک گردید. جریان مدرنیسم به سرعت تمام شئون زندگی انسان را متحول کرد. ادبیات نیز تحت تأثیر مدرنیسم از شکل و ساختار کلاسیک فاصله گرفت و اصول و قواعدی متناسب با جامعه مدرن را برای خود انتخاب کرد. روایت و ادبیات مدرنیستی، در برابر ساختار کلاسیک قرار می‌گیرد و آن را نقض می‌کند و برخلاف ادبیات کلاسیک، روایت مدرنیستی، دارای ساختار روایی غیرخطی، شخصیت‌محور، ابهام در روابط علت و معلولی می‌باشد. ادبیات مدرن، ابتدا و پایان آشکاری ندارد و فاقد عناصری همچون گره‌افکنی و گره‌گشایی می‌باشد و روابط زمانی و مکانی در آن مبهم است. در پژوهش پیش رو، از آثار سینمایی موج نو، آثاری مورد تحلیل قرار می‌گیرند که علاوه بر ساختار روایی مدرن، از ادبیات داستانی مدرن اقتباس شده باشند. در اینجا منظور از ادبیات داستانی، رمان، داستان کوتاه و بلند می‌باشد. بنابراین در تحقیق پیش رو آثار ادبی از جمله نمایش‌نامه و دیگر انواع ادبی مورد تحلیل قرار نمی‌گیرند. آثاری که در این پژوهش متناسب با چارچوب نظری هستند، فیلم گاو و فیلم شازده احتجاب می‌باشند، که به دلیل بهره‌مندی از روایت و ساختار سینمایی مدرن انتخاب شده‌اند.

بنابراین، با توجه به مباحثی که ذکر شد، آثار سینمایی برخوردار از روایت کلاسیک، آثار سینمایی مدرن و غیراقتباسی، فیلم‌های کوتاه، مستند، تلویزیونی و فیلم‌هایی که در سطح کشور به نمایش عمومی در نیامده و یا اکران محدودی داشته‌اند، مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.

## ساختار پژوهشی

در فصل نخست این پژوهش علاوه بر معرفی و تحلیل ادبیات داستانی، روایت و شیوه‌های روایتگری مدرن نیز مورد بررسی قرار گرفته است، دلیل این امر تأثیر فراوان و مهم ادبیات مدرن بر آثار سینمایی است که در شکل‌گیری موج نو مؤثر بوده است.

در فصل دوم مهمترین موج نوی سینمای جهان یعنی موج نو سینمای فرانسه، مورد تحقیق قرار گرفته و با موج نوی سینمای ایران مقایسه شده و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن ذکر شده است. چنین مقایسه تطبیقی به درک و تحلیل موج نوی ایران کمک بیشتری کرده است.

در فصل سوم تحقیق موج نو سینمای ایران و تأثیرپذیری آن از ادبیات داستانی به ویژه مدرن مورد تحلیل قرار گرفته است و مؤلفه‌هایی همچون روایت، شخصیت‌پردازی و زمان و مکان در آنها مورد بررسی قرار گرفته است. در میان فیلم‌های متعددی که به عنوان موج نو شناخته شده‌اند، فقط سه اثر هستند که با رویکرد این پژوهش همخوان بوده‌اند.

## سابقه و ضرورت انجام تحقیق

سینمای ایران تا به امروز از زوایای مختلفی همچون جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، زیباشناختی، جامعه‌شناسی، و اقتباس از ادبیات داستانی به اشکال مختلفی همچون مقاله، پایان‌نامه و کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. مانند کتاب یک اتفاق ساده؛ بررسی جریان موج نو در سینما ایران و کتاب دگرگونی اجتماعی و فیلم‌های سینمایی در ایران؛ جامعه‌شناسی فیلم‌های عامه پسند (1309-1357)، مورد پژوهش قرار گرفته است، اما تأثیر ادبیات داستانی مدرن بر ساختار روایی موج نو و تحلیل شیوه‌های روایتگری چنین آثاری به طور اختصاصی بررسی نشده است.

## اهداف تحقیق

1. شناخت بیشتر موج نو به عنوان مهمترین تحول و دگرگونی در سینمای ایران.
2. بررسی و تحلیل چگونگی تأثیرگذاری ادبیات داستانی مدرن بر موج نوی سینمای ایران.
3. شناسایی شیوه‌های روایتگری در آثار سینمایی موج نوی ایران.

## سوالات تحقیق

1. تأثیر ادبیات مدرن از منظر محتوا و فرم بر سینمای ایران چیست؟
2. روایت در ادبیات مدرن چه تأثیری بر روایت در فیلم‌های داستانی موج نوی سینمای ایران داشته است؟

## فرضیه های تحقیق

1. ادبیات ایران موجب دگرگونی در محتوا و فرم مورد استفاده در موج نوی سینمای ایران است.

2. دگرگونی در فرم‌های داستانی ادبیات مدرن ایران که برخاسته از ادبیات مدرن غرب است، موجب تغییر در ساختار روایی سینمای ایران شده است و نمونه بارز آن را در موج نوی سینمای ایران می‌توان دید.

## روش تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به شکل پژوهش کیفی و کمی و با استفاده از توصیف - تحلیل محتوا، شیوه جمع‌آوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای و مشاهده فیلم بوده است.

## فصل اول

ادبیات داستانی؛ کلاسیک و مدرنیسم

## 1-1) کلاسیسیسم

کلاسیسیسم<sup>1</sup> عنوانی برای جنبش فرهنگی- هنری بود که از دوران رنسانس در ایتالیا آغاز گردید و سپس از نیمه دوم قرن هفدهم در اروپا به عنوان مکتب هنری و ادبی مسلط مطرح و عمدتاً در فرانسه رشد یافت. در واقع گرایشی که در دوران نوزایی (رنسانس) در جامعه اروپا نسبت به اصول فرهنگی، هنری و ادبی یونان و روم باستان پدید آمد، اصطلاحاً کلاسیسیسم نامیده می شود که "باعث تحول بزرگی در معماری، موسیقی، مجسمه‌سازی و ادبیات آن دوران شد" (حسینی، 1378: 81).

هنر کلاسیسیسم در حقیقت همان هنر یونان و روم قدیم است که به دنبال نهضت اومانیسم، سرمشق نخبگان اروپا قرار گرفت. هنرمندان فراوانی آثاری به پیروی از اصول ثابت و مشخصی که از فرهنگ دوران پیش از مسیحیت یونان و روم، به ویژه از نظریات «ارسطو» اقتباس شده بود، پدید آوردند. در نظر کلاسیک‌ها، هنر اصلی شاعر یا نویسنده، رعایت دقیق قواعد عقلانی و ثابت زیبایی شناختی بود.

در دانشنامه‌های مختلف، تعاریف گوناگونی از این مکتب ارائه شده است و ویژگی‌ها و قواعد مشخصی برای آن تعیین کرده‌اند. کلاسیکوس<sup>2</sup> واژه‌ای بود که کلاسیک از آن استخراج شده و به معنی درجه و طبقه بندی بود. قبل از اینکه کلاسیک به عنوان یک مکتب شناخته شود به آثار هنرمندان درجه اول لقب کلاسیک می‌دادند. زمینه‌های ظهور این مکتب، از قرن چهاردهم میلادی یعنی آغاز دوران نوزایی و ظهور مکتب انسان‌گرایی (اومانیسم) در اروپا فراهم آمد و در قرن هفدهم و هجدهم میلادی به اوج خود رسید. این نهضت هرچند در ادبیات بیشتر ملل اروپایی کم‌وبیش تأثیر داشته است، اما جدی‌ترین و کامل‌ترین شکل خود را در ادبیات فرانسه پیدا کرد (حسینی، 1378: 88).

قواعدی که برای مکتب کلاسیک می‌توان نام برد عبارت از تقلید آثار برجسته پیشینیان، توجه به طبیعت و تقلید از آن، پایبندی به اصول اخلاقی، رعایت خوشایندی و آموزندگی، برخورداری از سادگی و

---

1. Classicism

2. Classicus



حقیقت‌نمایی، تعادل، توازن، تقارن، هماهنگی و داشتن وحدت موضوع و زمان و مکان، ظرافت، روشنی و وضوح، واقع‌گرایی و مبتنی بر عقل و منطق بود. بنابراین کلاسیسیسم به جلوه ایده‌آل حقیقت و زیبایی می‌پرداخت. معمولاً " در آثار کلاسیک، نویسندگان به توضیح و توصیف خصوصیات روحی، اخلاقی و تجزیه و تحلیل روانشناسانه انسان مطلوب و آرمانی خود توجه داشتند " (حسینی، 1387: 96). برخی از مهمترین اصول کلاسیسیسم که سنگ بنای نوع تازه‌ای از تفکر در انسان اروپایی شد به شرح زیر می‌توان برشمرد:

### تقلید از طبیعت

قبل از رعایت هر قانون و قاعده‌ی دیگر، آنچه هنرمند کلاسیک باید در نظر می‌گرفت تقلید از طبیعت بود. «بوالو» در فن شعر خود می‌گوید " حتی برای یک لحظه هم از طبیعت غافل نشوید " (حسینی، 1387: 110) کلاسیک‌ها طبیعت را در آثار خود، نه با تمام واقعیت بلکه تنها با جنبه‌های خوب و ایده‌آل آن ارائه می‌دادند یعنی طبیعت را نه آنطور که بود بلکه آنچنان که باید باشد، همراه با آرزوها و آرمان‌های خود نمایش می‌دادند. آنان با در نظر گرفتن عقل و منطق و بدون دخالت احساسات خود طبیعت را به تصویر می‌کشیدند. تقلید از طبیعت از عناصر اصلی در هنر و فلسفه یونان باستان نیز به شمار می‌آمد که بر آن، از سوی فلاسفه‌ای همچون «افلاطون» و ارسطو تأکید شده بود، زیرا افلاطون و ارسطو به وضوح مسأله تقلید را مطرح ساخته بودند. " ارسطو به پیروی از افلاطون، شعر را به عنوان تقلید، به ویژه تقلید یک کنش تعریف می‌کرد ولی برخلاف افلاطون انگیزه تقلید را انگیزه انسانی طبیعی و سالمی می‌دانست (هارلند، 1388: 29). از نظر پیروان این مکتب، بیشتر طبیعت و ماهیت انسان مورد نظر بود. با پایان یافتن قرون وسطی و ظهور انسان‌گرایی و آغاز دوران نوزایی، ذهن اندیشمندان اروپا از محدودیت‌هایی که حاصل تسلط مسیحیت بود، جدا شد و به تدریج انسان با جایگاه و وظیفه‌ای که در دنیا داشت و همچنین ارتباط او با خدا و طبیعت، موضوع اصلی شعر و اثر ادبی شد (زرین کوب، 1389: 316). در حقیقت در این مورد اصل ارسطویی یعنی تقلید یا محاکات طبیعت، اساس کار تفکر کلاسیک پس از تفکر دینی سده‌های میانه قرار گرفت.

## عقلانیت

یکی دیگر از اصول مورد اعتقاد پیروان تفکر کلاسیک، پیروی از عقل بود. هرچند ارسطو نیز در فلسفه خود به رعایت اصول عرف و عادت و حدی که از نظر او حد وسط و معقول نامیده می شد، اعتقاد داشت، اما کلاسیک‌های اروپایی، عقل‌گرایی را در دیدگاه فلسفه اصالت عقل (راسیونالیسم) پرورش دادند و آن را به مثابه یک نوع رویکرد تازه به جهان و زندگی مطرح ساختند

کلاسیک‌ها با موضوعات مختلف بطور عقلانی و منطقی برخورد می‌کردند. آنان معتقد بودند، احساسات انسان باید با نظارت عقل تجزیه و تحلیل شود. این اصل رویکرد تازه‌ای برای انسان اروپایی بود گرچه کلاسیک‌ها آن را به ارسطو نسبت می‌دادند ولی ارسطو معتقد بود "عقل عبارت از لزوم رعایت عرف و عادت و بیرون نرفتن از راه بسیار محدود و باریکی است که هر کس قدم از این راه بیرون بگذارد طبیعت او را به شدت مجازات می‌کند" (ارسطو، 1388: 58). عملاً در عالم هنر عقل عبارت از آن چیزی بود که مخالف تخیل و الهام محض باشد.

کلاسیک‌ها در اینجا تابع فلسفه راسیونالیستی «دکارت» بودند که عقل و اراده را بر احساسات و هیجان‌ها مسلط می‌کرد، زیرا عقل بزرگترین مزیتی محسوب می‌شد که انسان را از حیوان متمایز می‌ساخت. "در سال 1660 هنرمندان کلاسیک مجبور شدند از میان روش ارسطو و اصل عقل یکی را انتخاب کنند و آنها اصل عقل را ترجیح دادند" (ایوتادیه، 1378: 59). البته باید در نظر گرفت، منظور از آنها عقل انفرادی نبود که الهام شخصی را آزاد کند، بلکه آن عقل کلی و جهانی که در همه جا یکسان و لایتغیر دانسته می‌شد که قادر بود در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به صورت معقولانه زیبایی را تشخیص دهد.

## وضوح و روشنی

زبان نویسندگان کلاسیک باید زبانی واضح و صریح همراه با ایجاز و کلمات درست، دقیق و مناسب می‌بود. از دید اندیشمندان کلاسیک نیز اثر کامل اثری بود که روشن و واضح باشد. وضوح و سادگی این دانسته

نمی‌شد که فقط از طرحی ساده و سطحی تشکیل شده باشد، بلکه باید جمله‌ها با دقت و ظرافت هنرمندانه‌ای تنظیم و از کلمات نامفهوم و زائد تصفیه می‌گردید. در این مکتب به ایجاز توجه زیادی می‌شد. حد اکثر تعداد کلماتی که برای نوشتن نمایشنامه باید به کار می‌رفت، از نظر آنان، محدود و معین بود. کلاسیک‌ها تا آن حدی به وضوح و سادگی بیان اثر ادبی اعتقاد داشتند که کلمات و جملات محدود، برای خواننده قابل درک و فهم باشد.

### قانون وحدت‌های سه‌گانه

منظور از «قانون سه وحدت»، وحدت موضوع، وحدت زمان و وحدت مکان است که از اصول مهم مکتب کلاسیک شمرده می‌شود و از ادبیات یونان و آثار ارسطو به ارث مانده است. نویسندگان کلاسیک به پیروی از پیشوایان یونانی خود، بر این باور بودند که در هر اثر ادبی باید این وحدت‌ها رعایت شوند و اثری که این سه وحدت را نداشته باشد، نمی‌تواند از سوی هنرمندان کلاسیک پذیرفته شود. در این جا هر یک از این سه وحدت را جداگانه مورد بحث قرار می‌دهیم:

#### وحدت موضوع

وحدت موضوع عبارت است از این که رخداد‌های فرعی و اضافی داخل رخداد اصلی نشوند و حادثه نمایش‌نامه از شاخ و برگ‌های خارجی و رویدادهای زیادی پاک باشد. که هر اثری باید تنها یک حادثه از زندگی قهرمان را بیان کند، حادثه‌ای که بخش‌های مختلف آن کاملاً به هم مربوط باشد.

#### وحدت زمان

هنرمند باید دقت کند تا زمان وقوع رخداد تقریباً معادل همان زمانی باشد که نیاز است؛ زیرا جا دادن رخداد سال‌ها و قرن‌ها در یک اثر طبیعی نیست و دور از حقیقت‌نمایی است و نبود تناسب زمان نمایش با زمان واقعی، رخدادها صورت عادی را خدشه‌دار می‌سازد.

## وحدت مکان

اگر مدت اثر کوتاه باشد ولی مکان‌هایی که حوادث در آن اتفاق می‌افتد متعدد و دور از هم باشند، هنر جنبه طبیعی خود را از دست می‌دهد. از این رو تا حد امکان باید در یک مکان واحد اتفاق بیفتد. اثر بهتر است جمع و جور باشد و اگر حادثه آن بین زمان‌های مختلف و مکان‌های متعدد تقسیم شود، عاقلانه شمرده نمی‌شود.

## 1-2 ادبیات کلاسیک

ادبیات کلاسیک، ادبیاتی موافق عقل و استدلال و منطق بود که با دقت و موشکافی و باریک‌بینی تمام، همراه شده و در آن، هیچ‌گاه قهرمانانِ عادی و یا موجودات عجیب و غریب مورد مطالعه قرار نمی‌گرفتند، بلکه همواره افراد و کسانی که نماینده یک گروه برتر بودند بررسی می‌شدند. هنر کلاسیک، ویژه طبقات ممتاز، نخبگان و درباریان بود و زندگی طبقات پایین در آن راه نداشت.

کلاسیسیسم در ادبیات هم همچون دیگر هنرها نمود پیدا کرد و آثار مختلفی از نویسندگان برجسته‌ای همچون «میلتون»، «فرانسیس بیکن» و «بن جانسون» در انگلستان، و «کورنی»، «راسین»، «مولیر»، «دانته» در فرانسه پدید آمد. این نوع ادبیات موافق عقل و استدلال و منطق که تخیل در آن همیشه محدود و مرتب است. همچنین معتدل و میانه رو است. این نوع ادبیات ساده، زیبا و روان است و دارای قهرمان غیر عادی نیست بلکه افراد برجسته و نماینده یک گروه در آن قرار دارد.

انواع ادبی که در این مکتب ظهور کردند شامل حماسه، کمدی، تراژدی می‌باشند که عناصر کلاسیسیسم در آن رعایت می‌شود. نمایش‌نامه باید سازنده و آموزنده باشد، تاثیرات در این مکتب باید موافق با اصول عقلی باشد، قهرمانان و نشانه‌ها باید دارای صفات نیکو باشند و وحدت‌های سه‌گانه در آنها رعایت می‌شود. در تئاتر، اصل "حقیقت‌نمایی" و "نزاکت" را رعایت می‌کنند. یعنی همه چیز باید نزدیک به واقعیت باشد و در صحنه تئاتر کلمات زشت و بی‌ادبانه را به کار نمی‌برند و تماشاچی را با صحنه‌ای از تئاتر یا گفته‌ای، شوکه و